

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره چهل و دوم - چهل و سوم

پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۶۴-۵۵

تحقیق و مقارنه نسخ خطی «نخبه البیان» نراقی بزرگ و تحلیل و رفع یک التباس

دکتر محمد ادیبی مهر*

چکیده

رساله نخبه البیان اثر مهدی نراقی در علم و بدیع به زبان فارسی است. نسخه‌های خطی متعددی از این مجموعه به جا مانده و نیم قرن قبل در بیک نوبت نیز به چاپ رسیده است. در مبحث استعاره ظاهراً خلط مطلب شگفتی به وقوع پیوسته و جایگاههای طرفین استعاره از ارکان آن مخدوش و مشتبه گشته است. در این مقاله، عدم استناد این التباس به مؤلف با پژوهش در اسناد خطی این رساله در کتابخانه‌های معتبر تهران و کشف و احراز وقوع آن توسط یکی از ناسخان خطی و حذف سهوی یک خط کامل، برای اولین بار اثبات گشته است.

واژه‌های کلیدی

استعاره، علوم بلاغت، کتابخانه، نسخ، نسخه خطی.

* - استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

طرح مسأله

مقاله حاضر، حاصل پژوهشی است پیرامون رساله **نخبه‌البیان** مهدی بن ابی ذر نراقی (صاحب **جامع‌السادات**) در بخش بیان و بدیع از علوم بلاغت، با پیگیری و اثبات مسأله تحریفی سهوی و حساس در این رساله.

فرضیه نگارنده در اینجا عبارت است از وجود یک خبط مهم در ابتدای نسخه چاپی آن، که ریشه در اشتباه فاحش یکی از ناسخان خطی آن در یکصد و اندی سال قبل داشته و به نسخه چاپی نیز سرایت و ظاهراً وزانت علمی آن را مخدوش کرده است. رفع ابهام و اتهام علمی از ساحت دانشمندان و پژوهش‌های وزین آنان و اثبات حقایق علمی، ضرورت این تحقیق را مبرهن می‌سازد.

درآمد

جامعه فرهنگی ما، علامه محمدمهدی نراقی (د. ۱۲۰۹ هـ. ق) را بیشتر با کتاب کم نظیر **جامع‌السادات** در علم اخلاق، تداعی می‌نماید، درحالی که منظومه دانش و ادب ایشان، مشحون از ستارگان و اقماری است که در آسمان این خطه، پراکنده و مهجور مانده و نیاز به رصد دارند. فاضل نراقی که جامع معقول و مقول بوده، آثار متعددی در حکمت، فلسفه، اخلاق، فقه، اصول، ادبیات و حتی ریاضیات و هیأت نوشته است. متأسفانه بسیاری از این گنجینه‌ها مفقود گشته و مقداری به صورت خطی و یا یک نوبت چاپ، در کنج کتابخانه‌ها، متروک افتاده و تنها چند کتاب ایشان از کمند مجهولیت قدر، رمیمده‌اند. اینک گامی کوچک در این راه پر فراز و نشیب برداشته و همراه با شناسایی رساله فرید **نخبه‌البیان** از آثار ارجمند نراقی، بخصوص در صدد کشف و ردیابی و رفع التباس مهمی بر آمده‌ایم که در آغاز نسخه چاپی و حتی برخی نسخ خطی این رساله در ضمن مبحث استعاره، رخ داده و چه بسا به حساب مؤلف صاحب نظری چون ایشان گذاشته شده است؛ دانشمندی که در عرصه‌های گوناگون علم و اخلاق و ادبیات، به تدقیق و تنقیح، شهره و ساحت علمی وی از وجود چنین اشتباهات محرز می‌براست.

آشنایی با نخبه

در این جا قبل از ورود به بحث، نظر جناب شیخ آقا بزرگ تهرانی در مورد نخبه را نقل می‌نماییم. ایشان در ذیل شماره ۴۸۳ از شمارگان نسخه‌های مجموعه نفیس ذریعه، چنین می‌گوید: «نخبه‌البیان در بیان، استعاره و تشبیه، از آن مهدی بن ابوذر نراقی (در گذشته به سال ۱۲۰۹ هـ. ق)، کتابی است در دو باب از فن بیان به زبان فارسی. در ابتدای آن آمده است: [سپاس

بی قیاس، سزاوار آفریدگاریست جل شأنه...]. مؤلف، آن را از پی درخواست عده‌ای، در طی یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه، به رشته تحریر در آورده است. نسخه‌ای از آن، در کتابخانه خوانساری در ضمن مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مشکاه، موجود بوده و به سال ۱۳۷۵ هجری قمری، به اهتمام سبط خود، آقای حسن نراقی، به زیور طبع آراسته شده است» (۳/ص ۹۴). (۱)

این رساله که متن آن به فارسی نگاشته شده، حاوی چهار فصل در بیان اقسام ارکان بیان، یعنی: تشبیه، مجاز مرسل، کنایه و استعاره و تفسیر یکایک آنها و مقدمه‌ای در تعریف و تمایز آنها با یکدیگر و خاتمه‌ای در تبیین بعضی از انواع محسنات بدیعی است. در عنوان رساله، هر چند جانب تشبیه و استعاره، تغلیب یافته، لکن در متن آن ارکان چهارگانه علم بیان تشریح شده است.

مؤلف در دیباچه، به بیان انگیزه تصنیف آن پرداخته، می‌گوید: «اما بعد، چنین گوید آرزومند فیوضات خدای باقی؛ مهدی بن ابی ذر النراقی "آدرکه الله اذا بلغ روحه الی النراقی"، که چون جمعی از اخوان صفا و خلان وفا، "خصهم الله بجزیل العطا" در نزد حقیر به مباحثه تفسیر کلام الله المجید اشتغال داشتند و اکثر مباحث این علم شریف، احتیاجی تمام به معرفت وجوه تشبیه و استعارات، که اهم و ادق مباحث علم بیان است، داشت لهذا از این بی‌بضاعت، خواهش نمودند که از جهت ایشان رساله‌ای جمع نماید که مشتمل باشد بر وجوه تشبیه و...» (۹/ص ۱).

مصنف پس از ذکر تعاریف دقیق آرایه لغت خود به حیث تشبیه و استعاره و مجاز مرسل و کنایه و فروق آنها در مقدمه و اشاره به برخی اقوال و مبانی مورد اختلاف که اشرف ایشان بر اطراف مطالب را می‌رساند؛ در فصل اول، انواع تقسیمات تشبیه را ه اعتبار طرفین، وجه شبه، ادات، غرض و نفس تشبیه، مورد بررسی قرار می‌دهد.

در فصل دوم؛ مجاز مرسل را به اعتبار وجود علایق متعدد، قابل انقسام به بیست و پنج مورد می‌داند و لکن با توجه به رایج بودن برخی از آنها در عرف محاوره، به ده قسم اشاره می‌نماید.

در فصل سوم؛ کنایه را با توجه به انتقال از صفت به موصوف یا از صفتی به صفت دیگر یاد احراز ثبوت صفتی برای یک شخص یا چیزی، به سه فرع منشعب نموده است. البته مجاز مرسل و کنایه، به اختصار بر گزار شده است.

ایشان در فصل چهارم، به تفصیل به مباحث و شقوق استعاره پرداخته و ظاهراً هدف عمده وی از این رساله، تبیین و بررسی استعاره، به اقتضای ظرفیت آن بوده و در ضمن هشت تقسیم کلی، تصویر نسبتاً جامعی در این زمینه به دست داده است. تقسیم اول به اعتبار طرفین

استعاره به وفاقیه و عنادیه به سه قسم دیگر. تقسیم دوم به اعتبار اسم جنس و یا فعل و حرف و مشتق بودن مستعار، به اصلیه و تبعیه. تقسیم سوم به اعتبار جامع، به عامیه و خاصیه. تقسیم چهارم طرفین و عدم ذکر آنها، به چهار قسم مطلقه، مرشحه، مجرده و مرشحه مجرده. تقسیم ششم به اعتبار ذکر یکی از دو طرف استعاره، به دو قسم مصرحه و مکنیه. تقسیم هفتم به اعتبار تحقق مورد استعاره غیر آن، به دو بخش تحقیقه و غیر تحقیقه. تقسیم هشتم به اعتبار ترکیبی بودن و تشکل آن از مجموعه اجزای مرتبط با یکدیگر و غیر آن، به استعاره تمثیلی و غیر تمثیلی. مصنف در انتهای مباحث بیانی، نکته ظریفی را نیز مورد تنقیح قرار می‌دهد که عبارت از قابلیت و رد بعضی از مصادیق، به جهت اعتبارات مختلف، در ارکان متفاوت بیان همچون مجاز مرسل و استعاره است. در خاتمه نیز موضوعات بدیعی ذیل در دو بخش، مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

دربخش محسنات معنوی: مطابقه، مقابله، التفات، لف و نشر، ارساد، اقتباس، تلمیح، اعتراض، احتمال الضدین، مراعات النظیر، مشاکله، تنسیق، ایهام و توریه، مزاجه، عکس، رجوع، استخدام، تجاهل عارف، مبالغه و تجرید، و در بخش محسنات لفظی: تنجیس، سجع، قلب و ترصیع را معرفی نموده است.

نکته مهمی که در عرصه جامعیت علمی این رساله، جلب توجه می‌نماید، اشارات دقیق موشکافانه‌ای است که جناب مصنف در موارد مقتضی و لازم، با درایت خاصی بدانها پرداخته که احاطه علمی او را نسبت به آراء و اقوال بزرگان فنون بلاغت به اثبات می‌رساند. وی برای نمونه، در باب استعاره مکنیه و تخیلیه که معرکه الآراء قوم بوده و سکاکی و خطیب قزوینی و اتباع هر یک، به راهی رفته‌اند، پس از توضیح مکنیه و تخیلیه، می‌نویسد: «...صاحب مفتاح، بر آن است که در استعاره تخیلیه، لفظ اظفار مثلا موضوع در معنای حقیقی خود نیست، بلکه مجاز لغوی است و مستعمل است در صورت و همیه که مشبه است به معنای اصلی آن. و اکثر محققین برآنند که هر یک از اظفار و منیه، مستعمل در معنای موضوع له خود هستند، پس حقیقت خواهد بود و مجاز لغوی نیست بلکه مجاز عقلی است...» (ص ۹/۱۸).

در جایی دیگر می‌نویسد: «...مخفی نماند، آنچه مذکور شد که قرینه استعاره مکنیه، البته با یاد استعاره تخیلیه باشد بنابر مذهب اکثر است و بعضی از محققین مثل زمخشری و غیره برآنند که قرینه استعاره مکنیه، ضروری نیست که استعاره تخیلیه باشد، بلکه می‌تواند استعاره تصریحیه باشد مثل قوله تعالی: "و الذین ینقضون عهدالله..." (همان). البته ما در این مقاله، در مقام داوری میان اقوال اصحاب فن نیستیم و علاقه‌مندان محترم در این خصوص می‌توانند به منابع اصلی و معتبر مراجعه نمایند (ر.ک: ۶/ صص ۱۵۵-۱۶۱ و ۸/ صص ۳۳۴-۳۲۴ و ۴/صص

۳۱۷-۳۲۵ و ۲/صص ۴۰۳-۳۸۱ و ۴/صص ۲۲۹-۲۲۸ (...). به هر حال، نراقی به دیدگاههای مهم و گوناگون اشراف داشته است.

این رساله با توجه به اختصار و انسجام و در عین حال، استقصای مطالب مهم بیانی و بدیعی، می‌تواند به عنوان پیش در آمد کتابهای مفصل بلاغی در دسترس جویندگان علم و ادب، در مجامع حوزوی و دانشگاهی، قرار گیرد.

جایگاه تحریف

اکنون به بررسی لغزشی می‌پردازیم که در ابتدای این مجموعه عالمانه، راه یافته و متأسفانه به چهره محققانه آن، خدشه وارد نموده است.

در نسخه چاپی این رساله، در ضمن تعریف استعاره، چنین آمده است:

«مثلا در مثال (۱) در برخی از نسخ خطی، قید "مذکور" پس از واژه "مثال"، ذکر شده که بی‌وجه است (ر.ک: ۹/برگ ۶۷ و ۱۰). انشبت المنیة اظفارها، که استعاره مکنیه است با تخیل، تشبیه کرده‌ایم مرگ را به سبع. پس حقیقت سبع یعنی "ما صدق" (مصدق) آن که مشبه به است، مستعاره است. و لفظ سبع مستعار است به اعتبار آن که لفظ به منزله لباسی است که از مشبه به، عاریه شده است از برای مشبه و هلاک کردن که مشترک است میان منیه و سبع، جامع است...» (همان /صص ۲). البته، بهتر بود مؤلف محترم که بدوا در صدد ایضاح استعاره بوده است، در مقام تمثیل از امثله استعاره مصرحه، استفاده می‌نمود. اما نکته حایز اهمیت آن است که در اینجا مصداق سبع که به واقع، مشبه به است، مستعاره معرفی شده است و این در حالی است که از جمله مبادی تصویری فن استعاره در نزد دانشمندان بیانی، مترادف مشبه به با مستعار منه و مشبه با مستعار له است. شکی نیست که در بیت ابو ذؤیب خویند بن خالد هذلی «و اذا المنیة انشبت اظفارها- الفیت کل تمیمه لا تنفع»، (۱) یعنی؛ آن گاه که مرگ، چنگالهای خود را به کسی فرو برد - هر حرز و دعا و تعویذی را بی‌فایده خواهی یافت. مرگ، مشبه و حیوان درنده، مشبه به است. قزوینی در ذیل آن می‌گوید: شاعر مرگ (منیه) را به حیوان درنده (سبع)، در نابودی جانها همراه با قهر و غلبه، همانند نموده است...» (۲) متن و نص خطیب چنین است: «فانه شبه المنیة بالسبع فی اغتیال النفوس بالقهر لاغلبه...» (۵/صص ۳۱۸). سکاکی، هر چند در اقسام استعاره، به مترادف مذکور تصریح نکرده است، لکن در تقسیم هفتم و هشتم انواع استعاره، در ضمن تعریف و تفریق استعاره مجرده و مرشحه، بدان اشاره نموده، می‌گوید: «...تو دانسته‌ای که استعاره را مستعار له و مستعار منهی باید. از این رو، آن گاه که از پی استعاره، صفات یا سخنی در خور و متناسب با مستعار له (مشبه) قرار گیرد، مجرده نام می‌گیرد و چون از پس آن، خصوصیات یا کلامی متلائم با مستعار منه (مشبه به) بیاید، مرشحه نامیده می‌شود.

مثال استعاره مجردة چنین است که بگوییم: به شیرینی تا دندان مسلح و بلند نیزه و دارای شمشیری بران و براق، حمله بردم و با دریایی به گفتگو نشستم که در بسیاری علوم و آگاهی از حقایق و دقایق امور، شگفت انگیز بود و مثال استعاره مرشحه چنان است که گوییم: با شیرینی به نبرد برخاستم دشمن شکن، با یالهایی بزرگ، پنجه‌هایی فراگیر و غرشهایی مهیب و همشین دریایی گشتم آکنده، هماره خروشان و پرخیزابه، با خیر و سودی پیوسته و ژرفی شگرف" (۱) (۷/ص ۱۶۳).

روشن است که صفاتی نظیر مسلح بودن (بسیار)، نیزه (بلند) داشتن، شمشیر (تیز براق) داشتن، متعلق به شخص شجاع جنگی یا مشبه یعنی مستعارله می‌باشند و نیز عالم و جامع حقایق بودن و وقوف بر دقایق امور، از ملایمات انسان حکیم یا مشبه یعنی مستعارله هستند و از طرفی وارد کردن شکست، یالهای بزرگ، پنجه‌های فراگیر و غرشهای مهیب، از جمله صفات شیر یا مشبه به و یا همان مستعارمنه می‌باشند. همچنین آکندگی، پیوسته موج بودن، فیض و خیر بی‌پایان داشتن، عمیق و ژرف بودن، از صفات دریا یا مشبه به یعنی مستعارمنه است. (۱) نص سخن سکای به زبان اصلی و عربی چنین است:

«...انک قد عرفت ان الاستعاره لا بد لها من مستعارله و مستعارمنه فمتی عقبیت بصفات ملائمه للمستعارله او تفریح کلام ملائم له سمیت مجردة و متی عقبیت بصفات او تفریح کلام ملائم له سمیت مجردة متی عقبیت بصفات او تفریح کلام ملائم للمستعمرنه، سمیت مرشحه، مثالها فی التجرید ان تقول: "ساورت اسدا شاکي السلاح طویل القناء صقیل العضب و حاورت بحرا ما اکثر علومه و ما اجمعه للحقائق و ما اوقفهم علی الدقائق" و مثالها فی الترشیح ان تقول: "ساورت اسدا هصورا عظیم اللدین وافی البرائن منکر الزئیر و جاورت بحراز اخرا لا یزال یتلاطم امواجه ولا یغیض فیضه ولا یدرک قعرهم"».

سخن تفتازانی در این مطلب، صریحتر است. وی در همین باب و خصوص این مثال می‌گوید: «بنابراین مستعار عبارت است از واژه سبب که بدان تصریح نگشته و مستعارمنه (مشبه به) حیوان درنده و مستعارله، همان مرگ است» (۲/صص ۲۸۲-۲۸۳).

(۲) متن عربی: «فالمستعاره لفظ السبع غیر المصرح به والمستعمرنه هو الحيوان المفترس والمستعار له هو المنيه».

بنابراین، وجود اشکال، در این قسمت از رساله نخبه، قطعی بوده و اسناد آن به علامه‌ای همچون نراقی نیز بسیار بعید است. در نتیجه، راهی جز مطالعه و بررسی دقیق نسخ خطی این رساله که در کتابخانه‌ها پراکنده‌اند، به نظر نمی‌رسد؛ راهی صعب و دشوار. البته، در کتابخانه مجلس، خبری از این رساله نیست. دو نسخه خطی از مجموع مخطوطات این رساله، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره‌های ۲۶۱۱ و ۴۴۰۷ به شرح ذیل موجود است؛ در

فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلد نهم انتشارات دانشگاه تهران، حاوی نسخه‌های خطی شماره‌های ۲۱۲۱ الی ۲۶۲۹، ص ۱۴۶۸، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه در مورد نسخه شماره ۲۶۱۱ پس از توصیف جلد و قطع نسخه، کاتب آن را حسن بی ابی طالب حسینی حسینی معرفی نموده که در شب پنجشنبه ۲۱ جمادی الثانی ۱۲۸۸ ق از کتابت آن فراغت یافته است.

در همین مأخذ، مجلد سیزدهم حاوی نسخه‌های خطی شماره‌های ۴۰۱۴ الی ۴۵۷۹، ص ۳۳۶۸ در مورد نسخه شماره ۴۴۰۷ آمده است؛ "نسخ محمد حسین بن علی رضای رهی در شعبان ۱۲۳۷ مدرسه کاشان" (ر.ک همان. ناگفته نماند؛ نسخه یادشده در میان یک مجموعه حاوی آن و دو نسخه خطی دیگر، مندرج است).

البته، هر دو نسخه حاوی مشکلاتی از سوی کاتبان، به جهت افتادگی و نقصان بوده و بخصوص، نسخه اول تقریباً نیمه کاره است. اما از آنجا که مورد بحث ما در آغاز رساله قرار دارد، هر دو وافی به مقصودند و حقیقت امر را کاملاً مبرهن می‌سازند. در هر دو نسخه در بخش استعاره، پس از تمثیل مورد بحث (واذا المنیه...) چنین آمده است: «پس حقیقت سبع یعنی "ماصدق" آن که مشبه به است، مستعار منه است و حقیقت مرگ یعنی ماصدق آن که مشبه است، مستعار له است و لفظ سبع، مستعار است...» (ر.ک: ۱۲/ ص ۱۸۰ و ۱۳/ برگ ۲۱).

با رؤیت این نسخه‌های خطی، به آن پیش فرض، که مشکل از سوی نزاقی نبوده، نزدیک شدیم. پس چرا و از کجا چنین التباسی در نسخه خطی پدید آمده است؟ صورت مسأله هم، طوری است که بیشتر به اشکال محتوایی شباهت دارد تا اشتباه در استنساخ. از این رو به دو نسخه بسنده نکرده، به کتابخانه ملی تهران مراجعه نمودم. در آن جا دو نسخه خطی دیگر از این رساله، به شماره‌های ۴۲۵۰ و ۴۴۲۳ موجود است. نسخه اول در ضمن و ابتدای نسخه‌ای از حاشیه ملاصالح بر معالم تا انتهای برگ نهم قرار دارد. این نسخه به دست کاتبی به نام ملا علی محمد در سال ۱۲۴۴ ق نوشته شده است. نسخه‌ای کامل و کم خطا مانند دو نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، که مطلب مورد نزاع ما را به صورت صحیح از مصنف ثبت نموده است. اما نسخه دوم در قطع جیبی در طی ۶۷ برگ و به صورت تک نسخه، تحریر شده تاریخ کتابت در پایان بدون ذکر نام کاتب، سال ۱۲۴۶ ق ثبت شده است. در این نسخه، اشتباه موجود در نسخه چاپی، عیناً وجود داشته و در ذیل مثال معروف استعاره مکینه (واذا المنیه...) چنین آمده است: «... پس حقیقت سبع یعنی "ماصدق" آن، که مشبه آن است، مستعار له است و لفظ سبع، مستعار است...» ریشه خطا معلوم شد؛ چرا که کاتب یکی از نسخ خطی، به هنگام کتابت، یک سطر کامل از نسخه اصلی را سهواً ساقط نموده است. سطر مورد نظر در این جا در

میان دو کمان، مشخص شده است؛ سبغ یعنی که مشبیه است مستعارمنه است و حقیقت مرگ یعنی ("ما صدق" آن که مشبیه است مستعارله است...)، (همان).

البته، مشکل دیگری که در پی این التباس، به وجود آمده، شتاب و بی‌دقتی ناشر محترم نسخه چاپی این رساله و مصحح مورد اعتماد وی در مقابله نسخ نخیه، بوده است. مرحوم حسن نراقی در مقدمه آن، می‌گوید: "علاوه بر نسخه ناتمامی از این رساله که داشتیم، نسخه دیگری جزء مجموعه شماره (۱۷۲۷) کتابخانه ملی ملک، موجود است که تاریخ کتابت آن ۱۲۰۶ هجری، ولی خالی از اشتباه و افتاده از قلم کاتب، نمی‌باشد. و دو نسخه دیگر در کتابخانه شخصی استاد دانشمند، آقای سید جلال‌الدین محدث ارموی ملاحظه شد که به اقتضای شیوه دانش پروری در اختیار ناشر گذاردند تا از مقابله نسخ نامبرده، این نسخه، آماده گردید. سپس جناب آقای سید خلیل‌الله مجتهد کاشانی، که از اجله دانشمندان به شمار می‌روند، مجدداً آن را مطالعه و مراجعه فرمودند. با این حال چون نسخه اصلی در دست نبوده تا مقابله گردد از خوانندگان گرامی تقاضا دارد، چنانچه به سهو و خطایی برخورد نمودند، با بخشش و بلند نظری تصحیح فرمایند (ر.ک: ۹/ ص یب).

این بنده به کتابخانه ملی ملک نیز مراجعه نموده و نسخه یاد شده را در ضمن همان شماره در آن جا مشاهده نموده‌ام. در آن نسخه، در قسمت مورد نظر، همانند نسخ صحیح دیگر، هیچ اشکالی به چشم نمی‌خورد و مطلب کاملاً درست است. بنابراین، در نظر ناشر و شخص معتمد ایشان، نسخ حاوی التباس، ترجیح یافته‌اند. حالا این ترجیح، ناشی از کم دقتی بوده یا کمی اطلاع از مبانی علم بیان، الله اعلم. ناگفته نماند که نسخه موجود در کتابخانه ملک، به خط کاتبی به نام حاج اسماعیل ابوالقاسم در تاریخ ۱۳۲۸ ق، در ضمن دو کتاب خطی دیگر، استنساخ شده است (ر.ک: ۱/ ج ۵، ص ۳۵۲).

البته، به گفته مسؤولان این کتابخانه، تنها یک نسخه خطی از این رساله در آن جا موجود است، از این رو سخن مرحوم حسن نراقی در باب تاریخ کتابت آن؛ یعنی سال ۱۲۰۶ ق، عجیب به نظر می‌رسد.

ناگفته نماند؛ ما زحمات ایشان را که توأم با حسن نیت نسبت به احیای آثار اجداد معزز خویش بوده است ارج می‌نهم، لکن صحت و سقم آنها بخصوص آن جا که مسأله و جاهت علمی یک دانشمند بزرگ مطرح است، حایز اهمیت و حساسیت است.

در این جا به این نکته مهم نیز اشاره می‌شود که اخلاق و معرفت علمی، چنین اقتضا می‌کند که ارباب علم و ادب، در صورت مشاهده خطا و لغزشی در آثار بزرگان، با شتاب به داوری ننشسته و احتمال وجود چنین مسائلی را هم در نظر داشته باشند؛ مسائلی که شاید روزی در آثار قلمی خود ایشان نیز به وجود آید.

نتیجه

در مبحث استعاره از مباحث چهارگانه بیان در رساله نخبه البیان، جایگاه طرفین مستعارمنه و مستعارله در یکی از تقسیمات و تعاریف آن به صورت معکوس ذکر گردیده و خلل مفهومی آشکاری ایجاد نموده است. این التباس به گونه‌ای است که به شخصیت ادبی و علمی مؤلف آسیب می‌رساند. پس از بررسی‌های فراوان در کتابخانه‌های خطی ملی نیاوران، ملک و مرکزی دانشگاه تهران، و تطبیق نسخه‌های خطی معلوم شد یکی از ناسخان، یک خط کامل را از قلم انداخته و معنا و مفهوم را دگرگون ساخته است و از آنجا که ابتدای اصلی مصحح و ناشر نسخه چاپی، چنین نسخه‌ای بوده و ظاهراً نسخه اصلی در دسترس و یا مورد توجه او نبوده است، این اشتباه به همان شکل، منتقل و منتشر شده است. در این مقابله برای اولین بار این پژوهش لازم، صورت گرفته و رفع شبهه از مؤلف محترم گشته است.

پی‌نوشت

۱- متن اصلی ذریعه به عربی، چنین است؛ «نخبه البیان فی الاستعاره و التشبیه لمهدی بن ابی ذر النراقی (د. ۱۲۰۹ هـ.)، فارسی فی البیان من فن البیان. اوله: [سپاس بی قیاس سزاوار آفریدگاریست جل شأنه...] کتبه بالتماس جمع، مرتبا علی مقدمه و اربع فصول و خاتمه. توجد ضمن مجموعه فی مکتبه (الخوانساری) و اخیری فی مکتبه المشکاه) و طبع ۱۳۷۵ به اهتمام حفیده حسن نراقی».

منابع

- ۱- افشار، ایرج و دانش پژوه، محمد تقی: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ملک، با همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، چاپ اول، نشر هنر، تهران ۱۳۶۲ ش.
- ۲- تفتازانی، سعدالدین: المطول همراه با حاشیه سید میر شریف، مکتبه‌الدوری، تهران [بی تا].
- ۳- تهرانی، شیخ آقا بزرگ: الذریعه الی تصانیف الشیعه، به کوشش علی نقی منزوی، چاپ اول، مکتبه صاحب الذریعه العامه، نجف ۱۳۹۸ ق.
- ۴- جرجانی، محمد بن علی: الشارات والتنبهات فی علوم البلاغه، تحقیق دکتر عبدالقادر حسین، دارالنهضة مصر، قاهره، [بی تا].
- ۵- خطیب قزوینی، ابو عبدالله محمد: الايضاح فی علوم البلاغه، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
- ۶- دانش پژوه، محمد تقی: فهرست کتابهای خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش.

- ۷- سکاکی، ابویعقوب یوسف: *مفتاح العلوم*، باشرح جلال‌الدین سیوطی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۳۴۸ ق.
- ۸- قزوینی، جلال‌الدین محمد: *التخلیص فی علوم البلاغه*، با شرح عبد‌الرحمن برفوقی، چاپ دوم، دارالکتب العربی، بیروت ۱۳۵۰.
- ۹- نراقی، محمد مهدی بن ابوذر: *نخیه البیان*، در وجوه تشبیه، استعارات و محسنات بدیعیه، به کوشش حسن نراقی، چاپ اول، چاپخانه مجلس، تهران ۱۳۳۵ ش.
- ۱۰- _____: *نسخه خطی شماره ۴۴۲۳*، موجود در کتابخانه ملی، ساختمان نیاوران، قطع جیبی، تک نسخه در ۶۷ برگ، تاریخ کتابت به سال ۱۲۴۶ق بدون ذکر نام ناسخ.
- ۱۱- _____: *نسخه خطی شماره ۴۲۵۰*، موجود در کتابخانه ملی ساختمان نیاوران، قطع وزیری، در ضمن و ابتدای مجموعه‌ای از نسخه خطی حاشیه ملاحظ بر معالم، از ابتدا تا انتهای برگ ۹، تاریخ کتابت به سال ۱۲۴۴ق با نسخ ملا علی محمد.
- ۱۲- _____: *نسخه خطی شماره ۲۶۱۱*، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، قطع جیبی، تک نسخه در سال ۱۲۹۸ ق به دست حسن بن ابی طالب حسینی حسینی نسخ گردیده است.
- ۱۳- _____: *نسخه خطی شماره ۴۴۰۷*، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌ای ناقص تا اواخر مبحث تشبیه، در سال ۱۲۲۷ق به دست محمد حسین بن علی رضای رهقی در مدرسه کاشانی نسخ گردیده است.
- ۱۴- _____: *نسخه خطی شماره ۱۷۲۷*، موجود در کتابخانه ملی ملک، در ضمن دو نسخه خطی دیگر، در سال ۱۳۲۸ هجری قمری، استنساخ گردیده است.